

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا محمد و آله الطاهرين

مقام اول بحث در بحث اجزاء که عبارت از این بود که هر مأموریه‌ی مجزی از امری باشد که متعلق به خود همان مأموریه هست تمام شد و در ضمن این بحث در مقام اول، بحث مهم تبدیل امتثال به امتثال ذکر شد و هم از نظر ثبوتی و هم از نظر اثباتی مورد ملاحظه قرار گرفت.

مقام دوم: اجزاء اتیان مأموریه اضطراری یا ظاهری از مأموریه واقعی

مقام دومی که مرحوم آخوند(ره) شروع کرده‌اند این است که آیا اتیان مأموریه، آن هم مأموریه اضطراری و ظاهری مجزی از مأموریه واقعی هست یا نه؟

همان طور که مرحوم آخوند(ره) در اینجا بحث را در دو صورت بیان کرده، ما هم باید بحث را به صورت جدا مطرح کنیم.

یک بحث این است که اگر مکلف مأموریه اضطراری را انجام داد، آیا اتیان مأموریه اضطراری مجزی از امر واقعی هست یا نه؟ و بحث دوم هم این است که آیا اتیان مأموریه به امر ظاهری مجزی از امر واقعی هست یا نه؟

بحث اول: اجزاء اتیان مأموریه اضطراری از مأموریه واقعی

در بحث اول که اگر مکلف مأموریه اضطراری را انجام داد، مثلاً در داخل وقت نماز با تیمم خواند، بعد از اینکه نمازش تمام شد؛ حال در داخل یا خارج وقت آب پیدا کرد، می‌خواهیم ببینیم که آیا آوردن این عمل اضطراری، مجزی از امر واقعی هست که دیگر نیازی به اعاده یا قضای نماز با وضو و طهارت مائیه نداشته باشد یا اینکه مجزی نیست؟ که اگر گفتیم: مجزی نیست، باید در داخل وقت اعاده کند و یا در خارج وقت قضا کند.

تبیین موضوع محل بحث

در اینجا قبل از اینکه وارد بحث شویم، باید موضوع بحث را روشن کنیم و موضوع بحث در جایی است که امر اضطراری یک ثبوت واقعی دارد و فعلی که انجام می‌دهیم، درست مطابق با امر اضطراری باشد، یعنی در این فرض که مکلف نماز با تیمم می‌خواند، این عمل اضطراری واقعاً مشروع باشد.

اما اگر کسی عمل اضطراری را انجام داد، به خیال اینکه آب ندارد، اما بعد معلوم شد که همان زمانی که خیال می‌کرده که آب وجود ندارد، در همان زمان آب بوده، یا مثلاً اگر گفتیم که: امر اضطراری در فرضی است که اضطرار و عذر به صورت مستوعب باشد، یعنی شارع بفرماید: اگر در تمام وقت آب نداشتید می‌توانید طهارت ترابیه پیدا کنید، حال اگر در اول وقت نماز با تیمم خواند و نزدیک آخر وقت آب پیدا کرد، این کشف می‌کند که اصلاً آن عمل اضطراری که در اول وقت انجام داده، در همان ظرف خودش هم یک عمل غیر صحیحی بوده است.

شارع فرموده: در صورتی که اضطرار و عذر شما وقت را پر کند، یعنی از اول وقت تا آخر وقت آب ندارید، می‌توانید طهارت ترابیه پیدا کنید که این شخص هم خیال می‌کرده که در جمیع وقت آب نیست و طهارت ترابیه پیدا کرده، اما بعد معلوم شده که در آخر وقت آب بوده است.

این اصلاً از محل بحث در باب اجزاء خارج است، بلکه محل بحث در باب اجزاء در فرضی است که عمل اضطراری در ظرفی که واقع می‌شود، مشروع و مطابق با امر اضطراری باشد و بعداً کشف خلاف نشود که اصلاً در آن ظرف عمل اضطراری صحیح نبوده است.

در باب اجزاء اصلاً به ذهنتان نیاید که می‌خواهیم بحث کنیم که آیا نماز با تیمم مجزی است یا نه؟ که کسانی که می‌گویند: مجزی است، بگویند: این نماز صحیح است و کسانی که می‌گویند: مجزی نیست، بگویند: این نماز باطل بوده است.

بلکه تمام افراد - چه قائلین به اجزا و چه قائلین به عدم اجزاء - فرض بحث را در جایی می‌آورند که عمل نسبت به خود امر اضطراری صحیح است و مشروعیت دارد و در ظرفی که واقع شده، مطابق با امر اضطراری است، حال می‌خواهیم ببینیم که این عمل صحیح آیا مجزی است یا نه؟

این نکته بسیار مهمی است و بعداً در استدلالاتی که در بحث خواهیم داشت مورد توجه قرار می‌گیرد، اما این نکته مورد غفلت بعضی واقع شده است، لذا اصلاً در جایی که بعداً برای ما کشف خلاف شود که مثلاً موقعی که نماز با تیمم انجام دادیم، در واقع آب بوده و خیال کردیم که آب نیست، این کشف از این می‌کند که این نماز در همان ظرفی که واقع شده باطل بوده، و لذا دیگر بحث نمی‌کنیم که آیا این باطل مجزی هست یا نه؟

بلکه بعد از این فرض که این عمل در ظرفی که واقع شده صحیحاً واقع شده، می‌خواهیم ببینیم که این عملی که صحیحاً واقع شده و در ظرف خودش مطابق با امر اضطراری بوده، آیا مجزی است یا نه؟

مرحوم آخوند(ره) این توضیح برای محل بحث را، قبل از ورود به بحث بیان نکرده، اما این مطلبی است که بزرگان دیگر علم اصول به آن تصریح کرده‌اند.

پس خلاصه این شد که بحث در این است که صلاتی که از همه‌ی اجزاء و شرایط صحیح است و در ظرف خودش مطابق با امر اضطراری است و مشروعیت هم دارد، می‌خواهیم ببینیم که چنین نمازی که در ظرف خودش به عنوان مأمور به اضطراری صحیح است، آیا مجزی است یا نه؟

(سؤال و پاسخ استاد محترم) این مربوط به خصوصیات در بیان اضطرار است و باید ببینیم که دلیل اضطرار چه می‌گوید؟ اگر دلیل اضطرار می‌گوید: همین مقدار که تو می‌بینی آب نیست، می‌توانی تیمم کنی و فحص لازم است، حال اینکه تمام وقت یا بعضی از اوقات، اینها مربوط به بحث‌های بعدی است.

مرحوم آخوند(ره) در همین بحث اتیان به مأموریه اضطراری هم یک بحث ثبوتی و یک بحث اثباتی بیان کرده و فرموده: از نظر مقام ثبوت مسئله چهار صورت دارد، که در هر صورتی، در دو جهت بحث کرده‌اند؛ یک جهت اجزاء و عدم اجزاء و جهت دوم جواز و عدم جواز مبادرت، که به جای مبادرت تعبیر به بدار کرده‌اند.

صورت اول: وجود تمام ملاک در مأموریه به امر اضطراری

صورت اول این است که بگوییم: مأموریه به امر اضطراری تمام ملاکی که در مأموریه به امر واقعی است را دارد و هیچ کمبودی از نظر ملاک ندارد، یعنی نماز با تیمم صد در صد تمام ملاک نماز با وضو را دارد.

حالا هر صورتی آن دو جهت را بحث می‌کنیم و در این صورت هم یک بحث مسئله‌ای اجزاء است، که اجزاء در آن خیلی روشن است و وقتی که این نماز با تیمم تمام ملاک نماز با وضو را دارد، دیگر تردیدی در اجزائش نیست و بدار هم جایز است.

البته در اینجا در بدار و مبادرت داشتن باید سراغ دلیل رفته و ببینیم دلیلی که می‌گوید: این مأموریه اضطراری تمام ملاک مأموریه واقعی را دارد، آن را در فرضی برده که ولو در بعضی از اوقات آب گیر انسان نیاید که ولو 5 دقیقه از وقت آب نباشد، در همان 5 دقیقه این طهارت ترابیه تمام مصلحت طهارت مائیه را دارد که اگر دلیل این را بگوید مبادرت جایز است.

اما اگر دلیل بگوید که: طهارت ترابیه تمام ملاک طهارت مائیه را دارد، در صورتی که در هیچ جزئی از اجزای وقت آب نباشد، دیگر مبادرت جایز نیست.

پس در صورت اول از نظر اجزاء و مبادرت مسئله روشن شد.

صورت دوم: وجود اکثر ملاک در مأموریه به امر اضطراری و عدم قابلیت تدارک باقی

صورت دوم این است که این مأموریه اضطراری تمام ملاک مأموریه واقعی را ندارد، یعنی اگر نماز با وضو صد در صد مصلحت دارد، نماز با تیمم 70 درصد مصلحت دارد و آن سی درصد دیگر قابل جبران و تدارک نیست، که اگر قابل جبران نباشد باز نتیجه اجزاء می‌شود، یعنی این عملی که انجام دادید و 70 درصد مصلحت واقع را دارد و 30 درصد باقی مانده قابل جبران نیست، در اینجا نتیجه‌اش اجزاء است و از نظر بدار و عدم بدار هم باز عین فرض قبلی است، که باید ببینیم که این 70 درصد مصلحت را که دارد، آیا در فرضی است که در بعضی از اجزای وقت، ولو در اول وقت آب گیرمان نیاید، شارع بگوید: اگر همان 5 دقیقه‌ای اول هم آب گیرت نیامد، نماز با تیمم تمام شرایط، یعنی 70 درصد نماز با وضو را دارد که در این فرض بدار جایز است، و الا جایز نیست.

صورت سوم: وجود اکثر ملاک در مأموریه به امر اضطراری و جواز تدارک باقی ملاک

صورت سوم این است که این مأموریه به امر اضطراری 70 درصد از آن مأموریه به امر واقعی را دارد و باقی مانده هم قابل تدارک هست و تدارکش هم مستحب است، ولی لزومی ندارد، این نماز با تیمم 70 درصد ملاک، از آن صد در صد ملاک نماز با وضو را دارد، اما آن سی درصد هم قابل تدارک هست، اما تدارکش لزومی ندارد، که در این فرض سوم باز باید قائل به اجزاء بشویم و بدارش هم روشن است.

صورت چهارم: وجود اکثر ملاک در مأموریه به امر اضطراری و وجوب تدارک باقی ملاک

صورت چهارم این است که این نماز با تیمم 70 درصد ملاک نماز با وضو را دارد و آن 30 درصد باقیمانده هم قابل تدارک هست و تدارکش هم واجب است. البته این صورتی که به عنوان صورت چهارم بیان می‌کنیم، در عبارت کفایه به عنوان صورت سوم است و صورت سومی که بیان کردیم، در عبارت کفایه به عنوان صورت چهارم است، که این عکس را انجام دادیم تا روشن‌تر بتوانیم حرف بزنیم.

حال مثلاً فرض کنیم که نماز با تیمم 70 درصد ملاک نماز با وضو را دارد و آن 30 درصد باقیمانده هم قابل تدارک است و تدارکش هم واجب است، که مرحوم آخوند(ره) فرموده: نتیجه این صورت عدم اجزاء است و این عملی را که به عنوان نماز با تیمم خواندیم مجزی نیست.

بعد از نظر بدار و عدم بدار مسئله‌ی تخییر را مطرح کرده و فرموده: مخیرید که اصلاً عمل را انجام ندهید و وقتی که اضطرار برطرف شد، عمل را به صورت اختیاری انجام دهید، یعنی در اول وقت نماز با تیمم را بخوانید و وقتی که اضطرار برطرف شد، عمل اختیاری، یعنی مأموریه اختیاری را انجام دهید و یا در اول وقت نماز با تیمم بخوانید، اما دو مرتبه مجدداً در آخر وقت هم نماز با وضو بخوانید.

مرحوم آخوند(ره) فرموده: در این صورت که قائل به عدم اجزاء هستیم، از نظر بدار و عدم بدار مخیرید و می‌توانید اصلاً عمل را انجام ندهید و بعد از رفع اضطرار، عمل را به عنوان اختیاری و مأموریه اختیاری انجام دهید و می‌توانید اول وقت عمل اضطراری را انجام داده و در آخر وقت هم عمل اختیاری را انجام دهید.

ضرورت بحث ثبوتی در ما نحن فیه

بعد از بحث در مقام ثبوت، وارد بحث در مقام اثبات می‌شویم که در اینجا دو مطلب مطرح است که باید عرض کنیم؛ یک مطلب این است که اصلاً لقائل آن یقول که این بحث ثبوتی در اینجا چه ثمره‌ای دارد؟ این بحث که از نظر ثبوتی آیا این ملاکی که در نماز با تیمم است، تمام ملاک واقع است، یا بعض ملاک و بقیه‌اش قابل جبران است یا نیست؟ این مفید نیست و باید از اول سراغ دلیل رفته و ببینیم که دلیل چي می‌گوید؟ لذا این بحث در مقام ثبوت که مرحوم آخوند(ره) در اینجا بیان کرده چه فایده‌ای دارد؟

بعضی از بزرگان فرمودند: علت ذکر این بحث در مقام ثبوت و ارتباطش با مقام اثبات این است که مرحوم آخوند(ره) بعداً می‌خواهند بگویند که: مفاد اطلاق ادله اضطراری سه صورت از این چهار صورت است و از این چهار صورت گفتیم که: در سه صورت نتیجه‌اش اجزاء است و در یک صورت نتیجه‌اش عدم اجزاء است.

لذا هدف مرحوم آخوند(ره) این است که خواسته بفرمایند: اطلاق ادله اضطراری این صورتی را که نتیجه‌اش عدم اجزاء است در بر نمی‌گیرد و قابل تطبیق بر هر کدام از آن سه صورت دیگر هست، لذا این صورتی که نتیجه‌اش عدم اجزاء بود، که همان صورت سوم در کلام آخوند(ره) بود را نقض می‌کند و در نتیجه ادله اضطراری قابلیت تطبیق بر هر کدام یک از آن سه صورت دیگر را دارد، که نتیجه‌اشان اجزاء هست.

آیا همین مقدار کافی در حل مسئله و در جواب این قائل هست که می‌گوید: اگر این بحث ثبوتی را در اینجا مطرح نکنیم چه اشکالی دارد؟

از نظر فني همیشه بحث ثبوتي را در جايي مطرح مي‌کنند که بعد در مقام اثبات آن را تطبيق دهند و اگر در موردی گفتید که: از نظر ثبوتي محال است، مثلاً در باب تجري گفتید: از نظر ثبوتي عقاب متجري محال است، حال در مقام اثبات اگر روایاتی داشته باشیم که ظهور در این داشته باشد که متجري باید عقاب شود، باید این روایات را توجیه کنیم.

همچنین اگر در بحث قبلي طبق نظریه مشهور گفتیم که: تبدیل امتثال به امتثال ثبوتاً محال است و بر فرض اینکه روایات هم ظهور در تبدیل امتثال به امتثال داشت، آن روایات را باید به گونه‌ای توجیه می‌کردیم.

اما در اینجا عرض می‌کنیم که اگر این بحث ثبوتي که مرحوم آخوند(ره) بیان کرده، در اینجا نبود و ما باشیم و مقام اثبات که و در مقام اثبات ادله اضطرار می‌گوید: وقتی نماز با تیمم را آوردید، این نماز مطلقاً تمام است؛ چه بعداً آب پیدا کنید یا نکنید.

پس نیازی به این بحث ثبوتي نداریم و به نظر می‌رسد که این بحث ثبوتي که مرحوم آخوند(ره) در اینجا آورده، نیازی به آن نبود و در متن کفایه هم، هر وقت به این بحث می‌رسیدیم، اولین سؤال برایمان این بود که ذکر این احتمالات در مقام ثبوت چه نیازی داشت، که مرحوم آخوند(ره) در اینجا بیان کرده است.

مطلب مهم که ان شاء الله آقایان مراجعه می‌کنند این است که در آن صورت سوم مرحوم آخوند(ره) که صورت چهارم کلام ما شد و مرحوم آخوند(ره) از نظر بدار و عدم بدار قابل به تخییر شد، مرحوم آقاي خوئي(ره)(محاضرات، ج 2، ص 232) فرموده: این صورت اصلاً معقول نیست که از یک طرف قائل به عدم اجزاء شویم و از طرف دیگر مسئله تخییر را مطرح کنیم.

ایشان در کتاب محاضرات چند اشکال بیان کرده که ملاحظه کنید و ان شاء الله روز شنبه این اشکالات را مطرح می‌کنیم که ببینیم وارد است یا وارد نیست.

و صَلَّی اللہ علی محمد و آلہ الطاهرین